

مدّعیان دروغین نیابت

امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) به خاطر شرایط خاص اجتماعی کمتر در مجامع عمومی حضور می یافتند؛ و در زمان حیات خود، نمایندگی برای خود انتخاب کرده بودند که مردم بیشتر اوقات به واسطه آنها با این دو امام بزرگوار ارتباط برقرار کنند و مسائل شرعی و حوائج اجتماعی و مشکلات زندگانی خود را مطرح سازند. مردم تقریباً در آن زمان به این روش عادت کرده بودند. علّت اساسی پیش گرفتن چنین روشی، زمینه سازی برای دروان غیبت صغری بود که باید مردم بدون ارتباط مستقیم با امام خویش زندگی کنند و مشکلات خویش را از طریق نمایندگان مطرح سازند. بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) و آغاز غیبت صغری ۲۶۰ ه.ق. ارتباط مستقیم مردم با امام خویش قطع گردید. «نواب خاص» به ترتیبی که بیان شد، کار و فعالیت خود را آغاز نمودند و به صورت پنهانی تلاشهای خود را برای اثبات وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای خواص و رفع شک و تردید از قلوب آنها، و راهنمایی مردم به سوی امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اخذ وجوهات شرعی و موقوفات و هبه های شخصی به امام (علیه السلام) را ادامه دادند و از تفرقه شیعیان جلوگیری کرده و رهبریت و هدایت عموم دوستداران اهل بیت (علیهما السلام) را به دست گرفتند. و کم کم با این شیوه انس گرفت و کارهای خود را از طریق «نواب» انجام می دادند و از سراسر بلاد اسلامی اشخاص و اموال به سوی آنها سرازیر گردید.

در این میان، بعضی از افراد ضعیف الایمان و کج اندیش که زمینه انحراف از قبل در وجود آنها بوده، پیدا شده و مدّعی

دروغین نیابت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدند.

سرچشمه ادعای دروغین این افراد در سه چیز خلاصه می شود:

ضعف ایمان و زمینه انحراف.

طمع کردن به اموالی که از سراسر بلاد اسلامی به سوی «نوّاب» سرازیر می شد. می خواستند با ادّعای «نیابت» این اموال را

به سوی خود جلب نموده و بدون مجوّز شرعی در آن تصرف نموده و خوشگذرانی بپردازند.

رسیدن به شهرت و ریاست در جامعه. دوست داشتند بر عموم شیعیان ریاست کنندو امر و نهی از سوی آنها صادر گردد.

شروع فعالیت مدّعیان دروغین

همان طوری که از بحثهای آینده روشن خواهد شد، شروع تفکّر ادّعای دروغین، به دروان نایب دوّم محمّد بن عثمان بر می

گردد.

در زمان نایب اوّل، عثمان بن سعید، به خاطر علل مختلفی، منحرفی نتوانستند فعالیت کنند و لذا در دوران نایب اوّل خبری از ادّعی دروغین نیابت نیست و اگر هم باشد به صورت خیلی کم رنگ مطرح بوده که مشهود و ملموس نبوده است. همان طور که احتمال دارد «اسحاق احمر» و «باقطانی» در آن دوره بوده، ولیکن قطعی نیست؛ و احتمال هم دارد مربوط به دوره دوّم باشد.

علل عدم وجود این دروغ گویان در دور؟ نایب اول، عبارتند از:

عثمان بن سعید از اشخاص مشهور و مورد اطمینان در میان شیعیان بود. همان طوری که گفته شد در زمانهای قبل از غیبت صغری از طرف امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) و به نظر بعضی ها حتی از طرف امام جواد (علیه السلام) نیز وکالت داشته است. سوابق طولانی او با ائمه (علیهم السلام) باعث شده بود که شهرت و منزلت خاصی در میان شیعیان داشته باشد و لذا این منحرفین در دروغ؟ نیابت وی، نتوانستند ابراز وجود کنند.

شرایط سیاسی و اجتماعی مساعد نبود که کسی ادّعی دروغین بکند. در اوایل غیبت صغری، دولت مردان عباسی شدیداً مراقب اوضاع بوده، با تمام قوا تلاش می کردند روپایی از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او پیدا کنند و آنها را نابود سازند؛ و کسی غیر از «عثمان بن سعید» جرأت نمی کرد خود را به چنگال مرگ گرفتار کند؛ لذا فعالیت و نیابت او در آن دوره یک جهاد بزرگ به شمار می رفت.

عدم عادت مردم. هنوز برای مردم به روشنی ارتباط با امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از طریق «نوّاب» جا نیفاده بود. لذا عادت مردم احتیاج به زمان داشت و این کار در دور؟ اوّل صورت گرفت. وقتی منحرفین دیدند مردم به چنین کارهایی عادت کرده اند، خواستند با ادّعی دروغین خود را نایب خاصّ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی نمایند.

کسانی که در دوره محمّد بن عثمان، نایب دوّم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دروغ ادّعی نیابت امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را داشتند، عبارتند از:

۱. ابومحمّد حسن شریعی.

۲. محمّد بن نصیر نمیری.

۳. احمد بن هلال عبرتائی.

۴. ابوطاهر محمّد بن علی بن بلال.

۵. ابوبکر محمّد بن احمد بن عثمان، معروف به ابوبکر بغدادی، برادر زاد؟ ۶. محمّد بن عثمان.

و ۷. اسحاق احمر و باقطنی.

۸. حسین بن منصور حلاج به حسن بن منصور نسبت داده شده که مدّعی دروغین نیابت بوده است، ولیکن مذهب ایشان

معروف به صوفیگری می باشد. ولی مکاتباتی را که شیخ در کتاب «الغیبه» بیان کرده است، نشان می دهد که وی هم، ادعای نیابت داشته است.

دربار؟ حسین بن منصور، بحثهای مفصلی شده است؛ آن مقداری که مربوط به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و

«نوّاب» باشد، بیان خواهیم کرد.

یکی دیگر از مدّعیان دروغین نیابت، «شلمغانی» است که در زمان نایب سوّمف حسین بن روح بوده و ما در آنجا از ایشان

بحث خواهیم کرد و شخص دیگری به نام «ابودلف کاتب» که بعد از وفات چهارمین نایب، ادّعای نیابت نموده است که در محلّ خود،

مختصری از شرح حال او نیز بیان خواهد شد.